

## دکتر رابرت ای. پترسون، کلیسا و آخرین چیزها جلسه ۷، الهیات تاریخی کلیسا

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد آموزه‌های کلیسا و آخرالزمان. این جلسه هفتم، الهیات تاریخی کلیسا است.

ما به سخنرانی‌هایمان در مورد آموزه‌های کلیسا ادامه می‌دهیم.

اکنون پس از کار با داستان کتاب مقدس، برخی از متون کلیدی در هر دو عهد که به قوم خدا می‌پرداختند تصاویر کلیسا، به ویژه در عهد جدید، و سپس بخش نسبتاً طولانی در مورد قوم خدا در عهد عتیق، توجه خود را به الهیات تاریخی معطوف می‌کنیم. الهیات تاریخی مطالعه‌ای است در مورد چگونگی درک کلیسا از آموزه‌های کتاب مقدس در طول قرن‌ها. به آن تاریخ دکتربین نیز گفته می‌شود و جای کتاب مقدس را نمی‌گیرد اما با در نظر گرفتن آن، یک حوزه، یک رشته در تدوین یک الهیات سیستماتیک است که قطعاً باید مبتنی بر تفسیر و الهیات کتاب مقدس باشد، اما الهیات تاریخی را نیز در نظر می‌گیرد.

ما می‌خواهیم فقط به برخی از نکات برجسته در تاریخ آموزه‌های کلیسا بپردازیم. یعنی سنت سیریان اعتقادنامه شورای قسطنطنیه، برخی از مشارکت‌های سنت آگوستین، بونیفاس هشتم و نوشته ویژه او، که قدرت شکفت‌انگیزی برای کلیسای روم به ارمغان آورد، ویکلیف، یان هوس «Unum Sanctum» اعتراف‌نامه آگسبورگ، اعتراف‌نامه اسکاتلندی، اعتراف‌نامه بلژیکی، و سپس با اعتراف‌نامه ایمان وست‌مینستر به پایان خواهیم رساند. سیریان، سیریان اهل شمال آفریقا بود.

او معلم فن خطابه بود، همانند سنت آگوستین، و به مسیحیت گروید و در کلیسا به خداوند خدمت کرد و به مقام اسقف کارتاژ رسید. تاریخ‌های او تقریباً بین سال‌های ۲۰۰ تا ۲۱۰ میلادی است و تاریخ تولدش ۲۵۸ میلادی است که تاریخ مطمئن‌تری برای زمان مرگ اوست. او متکلمی در حد و اندازه مثلاً ترتولیان نیست، که حتی به او احترام می‌گذاشت و تکریمش می‌کرد، اما او یک کشیش و یک رهبر بود و نحوه برخورد او با مسائل مربوط به کشیشی و به ویژه مسائل تفرقه‌انگیزی، او را نه تنها در زمان خودش، بلکه در ادامه برخی از آن مسائل، تأثیرگذار کرد.

این مشکل در کلیسا رخ داد، به خصوص زمانی که امپراتوران روم، آزار و اذیت کلیسا را انجام می‌دادند. مشکلی در مورد کسانی که به عنوان منحرف شناخته می‌شدند، پیش آمد. کلیسا چگونه باید با افرادی که در طول آزار و اذیت، مسیح را انکار می‌کنند، رفتار کند؟ کلیسا چگونه باید با آنها برخورد کند؟ این مشکل در هر آزار و اذیت بزرگی، از جمله آزار و اذیت دقیان، وجود داشت.

سیریان مهم است زیرا او مردم را به زمین انداخت، آنها را به عقب برگرداند، لغزش‌ها را پذیرفت و به آنها اجازه داد تا یک سری توبه را پشت سر بگذارند و توبه واقعی آنها را از نظر او و از نظر رهبران دیگرش نشان دهند. او تأکید کرد، او در نهایت تأسیس کرد، او تأکید کرد که وحدت کلیسا بیشتر در اسقف‌ها اسقفی است تا الهیاتی. نوواتیانسم، نوواتیانسم لغزش خوردگان باعث شد، لغزش باعث این تفرقه، این جدایی بین کسانی که سر جای خود ایستادند و کسانی که خشمگین شدند، شد.

می‌دانید، کشیش من جانم را فدای مسیح کرد. کشیش شما فرار کرد. خب، گاهی اوقات کسانی که فرار می‌کردند می‌گفتند اگر همه کشیشان بمیرند، چه کسی اینگونه کشیشی خواهد کرد؟ شرایط بسیار سختی بود و

پاسخ آسانی وجود نداشت. اما به هر حال، برخی از گفته‌های سیریان را در چارچوبی که من ترسیم کرده‌ام، یک چارچوب تقریبی، می‌توانیم بهتر درک کنیم.

او گفت نه، او نمی‌تواند خدا را برای پدرش داشته باشد، کسی که کلیسا را برای مادرش ندارد. شاید این مهم‌ترین نوشته‌ی او باشد، نوشته‌ای که به وحدت کلیسا اشاره دارد و بر اهمیت کلیسا تأکید می‌کند. مطمئناً افراد به مسیح برای نجات ایمان داشتند، اما تعلق آنها به کلیسا از نظر سیریان بسیار مهم است.

او نمی‌تواند خدا را برای پدرش داشته باشد، در حالی که مادرش کلیسا را ندارد. او نمی‌توانست پدیده معاصر افرادی را که ادعای مسیحی بودن می‌کنند و به کلیسا تعلق ندارند، درک کند. درک این موضوع برای او بسیار غیرممکن بود.

در رساله‌هایش، رساله ۷۳، بخش ۲۱، جمله معروف دیگری دارد مبنی بر اینکه هیچ رستگاری خارج از کلیسا وجود ندارد. او که به عنوان یک کشیش و حل‌کننده مشکلات با مشکلات روبرو بود، بر اسقف‌ها، اسقف‌ها حتی بیش از اصول الهیاتی، تأکید کرد تا با آن مشکل دشوار تفرقه‌ها و نحوه برخورد کلیسا با کسانی که مسیح را انکار کردند، کسانی که نسخه‌های کتاب مقدس خود را تحویل دادند و غیره، در زمان آزار و اذیت، مقابله کند. اعتقادنامه قسطنطنیه ۳۸۱ از اولین شورای قسطنطنیه در همان سال گرفته شده است.

این شورا به عنوان دومین شورای جهانی کلیسای مسیحی پس از نیقیه در سال ۳۲۵ میلادی شناخته می‌شود. در واقع، نیقیه الوهیت مسیح را تأیید کرد و آتاناسیوس را در مقابل آریوس قرار داد، اما آریانیسم از بین نرفت. و این شورا در سال ۳۸۱ میلادی، پایان ۵۰ سال، پنج سال صفر، از سلطه سیاسی و الهیاتی آریانیسم در امپراتوری شرق را رقم زد.

شورای اول قسطنطنیه از احیای ارتدکسی نیقیه و گسترش ارتدکسی نیقیه صحبت کرد. نیقیه با آریوس مخالفت کرد، که می‌گفت مسیح اولین مخلوقی است که خدا از طریق او هر چیز دیگری را آفریده است. او با خدا برابر نیست.

او موجودی مخلوق است اما کار زیادی با آموزه روح القدس انجام نداد. شورای اول نیقیه تأکیدات ارتدکسی نیقیه را احیا کرد و همچنین آن ارتدکسی را گسترش داد تا روح القدس را نیز در بر بگیرد. یعنی، احیا و بسط پنوماتولوژیک ارتدکسی نیقیه وجود دارد.

در این چارچوب، اعتقادنامه‌ی قسطنطنیه ۳۸۱، جمله‌ی بسیار مشهوری را بیان می‌کند مبنی بر اینکه به عنوان بخشی از اعتراف ایمان، ما به یک کلیسای مقدس کاتولیک و رسولی اعتقاد داریم. از آن چهار صفت که اسم مشتق شده‌اند، یعنی وحدت، تقدس یا قداست، و کاتولیک بودن، این اعتقادنامه درباره‌ی روم صحبت نمی‌کند؛ بلکه درباره‌ی جهانی بودن کلیسا و رسالت صحبت می‌کند. یک کلیسای مقدس کاتولیک و رسولی به عنوان پایه و اساس ارائه شده است، که از نظر اعتقادی، ما آنها را نمادها و اعتقادات می‌نامیم.

بنابراین، اگر بخواهیم به صورت نمادین صحبت کنیم، قسطنطنیه و اعتقادنامه‌ی آن، واژگانی را ارائه دادند که منجر به چهار ویژگی کلیسا شد. ما هم به ویژگی‌ها و هم به نشان‌ها خواهیم پرداخت. همانطور که این نشان می‌دهد، این ویژگی‌ها مربوط به پدران کلیسا هستند.

آنها به پدران برمی‌گردند، کسانی که به تعریف کلیسا کمک کردند. کلیسا یک کلیسا است. کلیسا به واسطه ایمان مردم به مسیح و سپس زندگی برای خداوند، مقدس است.

هر جا که باشد، کاتولیک است. بخشی از کلیسای جهانی روی زمین است و رسولی است. خواهیم دید که روم و اصلاح‌طلبان معانی بسیار متفاوتی از نظر معنای این عبارت داشتند.

در نهایت، پروتستان‌تیسیم می‌گوید که نوعی از تبار پطرس در زمینه انتصاب به مقام کشیشی نیست، بلکه پابندی به آموزه‌های رسولان است که یک کلیسا را رسولی می‌کند. ما به یک کلیسای مقدس کاتولیک و رسولی اعتقاد داریم. ما این سخنان و پیامدهای آنها را دوباره بررسی خواهیم کرد.

سنت آگوستین، از ۳۵۴ تا ۴۳۰، تاریخ‌های او قطعی است. و هیچ شخص تأثیرگذارتری در صدها و صدها سال اول کلیسای مسیحی وجود نداشت. هم لوتر و هم کالوین به او اعتبار می‌دهند و می‌گویند که آنها درک او از انجیل را دوباره کشف کرده‌اند.

درست است، حداقل به صورت کلی، که آنها پیشرفت‌ها و توضیحات بیشتری در مورد دیدگاه‌های او ارائه دادند. اما کالوین به طور مشهور گفت که می‌تواند کل الهیات خود را از آگوستین بگیرد. و آگوستین چیزهای بسیار زیادی در مورد کلیسا گفت.

در اینجا تنها به چند مورد از مهم‌ترین نکات الهیاتی تاریخی که در بررسی خود به آنها اشاره می‌کنیم، اشاره می‌کنیم. مسیحیان زیادی وجود دارند، اما فقط یک مسیح. خود مسیحیان، به همراه سرشان، زیرا او به آسمان عروج کرده است، یک مسیح را تشکیل می‌دهند.

این به معنای یکی بودن او و کثیر بودن ما نیست، بلکه ما که کثیر هستیم در او وحدت داریم. بنابراین، یک انسان به نام مسیح وجود دارد که از سر و بدن تشکیل شده است. این از تفسیر سنت آگوستین بر مزامیر تفسیر او بر مزمور ۱۲۷ و آیه ۳ گرفته شده است. کاری که او انجام می‌دهد تعریف کلیسا به عنوان بدن مسیح، که سر است، از نظر اتحاد با مسیح است.

البته، از جنبه‌های دیگر، ما بسیاریم، اما از این نظر، اگرچه اعضای زیادی داریم، اما عضوی از یک بدن هستیم. و چون به مسیح پیوسته‌ایم، به یکدیگر نیز پیوسته‌ایم. و آن تصویر سر و بدن، من آن را اینگونه بیان می‌کنم.

در رومیان و اول قرن‌تین، این تصویر از حیات جسمانی، یعنی رابطه اعضا با یکدیگر، سخن می‌گوید. تأکید بر همین است. در افسسیان و کولسیان، تصویر مسیح به عنوان سر، بیشتر این نکته را در نظر دارد که او منبع حیات کلیسا است.

او پروردگار کلیسا است. و طبق معمول، سخنان آگوستین صدها و صدها سال از تاریخ کلیسا را پس از او تحت تأثیر قرار داد. با این وجود، او در عمل تأکید کرد که او یک کشیش است.

کلیسا مجموعه‌ای از افراد خوب و بد است. این جمله در نوشته معروف او در مورد آموزه‌های مسیحی آمده است. اگر می‌خواهید کلیساها، کلیسای کاتولیک و شاید روم را درک کنید، اما نه به آن اندازه که قرار است رومی شود، دیدگاه‌های اساسی کلیسا در حدود سال ۴۰۰ میلادی در مورد آموزه‌های مسیحی، نقطه شروع خوبی است.

آگوستین، معلم فن خطابه، از این کار دست کشید زیرا می‌گفت، من به وکلای حيله‌گر توانایی‌هایی می‌دهم تا مردم را فریب دهند. در این کتاب، او در اواخر کتاب از فن خطابه صحبت می‌کند. بنابراین، او بخشی از فن خطابه، آموزش فن خطابه و تجربه خود به عنوان یک معلم را به کار می‌گیرد.

اما اول از همه، او درباره آنچه کلیسا به آن اعتقاد دارد صحبت می‌کند. در واقع، آموزه‌های مسیحی به عنوان مطالعه‌ای در هرمنوتیک مشهور است. او درباره نشانه‌ها و معنای آنها صحبت می‌کند.

این یک نوشته ساده اما عمیق است که خلاصه‌ای از باورهای مسیحیان ارائه می‌دهد و اصولی را برای تفسیر کتاب مقدس به ما می‌آموزد. سپس، معلم فن خطابه به معلم فن خطابه تبدیل می‌شود و به شاگردان و خوانندگان خود می‌آموزد که چگونه باورهای کلیسا را بیان کنند. بنابراین، ضمناً، در مورد آموزه‌های مسیحی، بخش سوم، بند ۴۵، جایی است که او این را می‌گوید.

گروه مختلطی که تدریس می‌کردند. این [روش] [در تمام طول] [دوران] [پابرجا خواهد ماند، به جز آنابپتئیست‌ها که ادعا می‌کنند کلیسای کاملاً خالص دارند. اما این روش، هم برای روم و هم برای اصلاح‌طلبان، موفقیت‌آمیز بود.

بنابراین، او طور دیگری تعلیم می‌داد، تنها اعضای واقعی کلیسا، چون این یک بدنه مختلط است. خوب و افراد خوب و بد وجود دارند.

و شما همیشه نمی‌توانید تعیین کنید که آنها چه هستند، چه هستند و چه افراد خاصی هستند. تنها اعضای واقعی کلیسا، نقل قول، تعداد ثابت برگزیدگان هستند. این از رساله او در مورد غسل تعمید است.

بخش پنجم، بند فرعی ۳۸. خوب، خوب، همانطور که بعداً خواهیم دید.

در زمان‌های درگیری و در زمان‌هایی که کلیسا از درون متزلزل بود، نه آزار و اذیت از بیرون، بلکه در حال زوال پنهان شدن انجیل و غیره. برخی از پیش-اصلاح‌گران، ویکلیف و هاس، به حاکمیت خدا که در تقدیر الهی تجلی یافته بود، پناه می‌بردند، زیرا آنها از نظر ظاهری می‌گفتند که کلیسا آشفته است. آگوستین این را نمی‌گوید.

اما کلیسای کاتولیک رومی اواخر قرون وسطی، به گمان هاس، ویکلیف و سپس لوتر، چند صد سال بعد، به طرز شگفت‌آوری، آنها قبل از او بودند، به طور قابل توجهی قبل از او. این قوم واقعی خدا هستند که توسط خدا انتخاب شده و توسط خدا شناخته شده‌اند. کلیسا هرگز آن کلیسا را شکست نخواهد داد.

تعداد پنهان قوم برگزیده خدا، چیزی شبیه به این. و باز هم، ما نمی‌توانیم بیش از حد بر اهمیت اندیشه آگوستین تأکید کنیم. این اندیشه در طول اعصار، از طریق اصلاحات، طنین‌انداز شده است، به طوری که مسیحیانی که اکنون خود را کالونیست می‌دانند، واقعاً در سنت کالوینی آگوستینی قرار دارند.

شکی در این مورد نیست. بونیفاس یک پاپ بود، تا او را از افراد دیگری که پاپ‌هایی به نام بونیفاس نامیده می‌شوند، متمایز کند. از نظر فنی، او بونیفاس هشتم است.

عبارت «اونوم سانکتوم» به معنای یک نهاد یا کلیسای مقدس، شبیه اعتقادنامه‌ی کنستانتینوپولتین به نظر می‌رسد و عمده‌ت طراحی شده است. او مدعی مرجعیت اعتقادی، پیشینه‌ی اعتقادی و مرجعیت برای این بیانیه‌ی شگفت‌انگیز است که در سال ۱۳۰۲ منتشر شد. در اینجا، کلیسای کاتولیک رومی را در طول تاریخ ردیابی می‌کنیم.

ادعاهای روم روز به روز بیشتر می‌شد. این نشان دهنده یک نقطه عطف از دیدگاه کاتولیک رومی است. ما موظفیم که ایمان داشته باشیم و به آن پایبند باشیم.

ما قاطعانه ايمان داريم و صميمانه اعتراف مي كنيم كه يك كليسای مقدس كاتوليك و يك كليسای رسولي وجود دارد. و همانطور كه خواهيدديد، بهتر است باور كنيد كه منظور او كاتوليك رومي است. و اينكه خارج از اين كليسا، نه رستگاري وجود دارد و نه آمرزش گناهان.

خب، ما نه تنها قسطنطنيه را مي شنويم، بلكه قبرسي را هم مي شنويم. و معنای پاپ بونيفاس اكنون خارج از اين نهاد كاتوليك رومي زمين است؛ نه رستگاري وجود دارد و نه بخشش گناهان اين كليسای يگانه

يك بدن و يك سر وجود دارد، نه دو سر مانند يك هيولا. يعنى مسيح تنها سر و مسيح نايب است. نماينده او در زمين پطرس و جانشين پطرس است.

بنابراين، اگر يونانيان يا ديگران بگويند كه به پطرس و جانشينان او متعهد نبودند، لزوماً اعتراف مي كنند كه از گوسفندان مسيح نيستند. او به سيستم بزرگ سال ۱۰۵۴ اشاره مي كند كه در آن كليساهای ارتدكس شرقي از روم جدا شدند و هم پاتريارك قسطنطنيه و هم پاپ در روم، يكديگر را نفرين كردند. يا مي خنديد، يا گاهی گريه مي كنيد.

اگر چنين چيزي ممكن بود، آنها يكديگر را تكفير مي كردند. و در اينجا، بونيفاس كليسای ارتدكس را كليسای دگراندیش مي داند. چرا؟ اين كليسا متعلق به روم نيست.

و كليسای روم، خود كليساست. اثبات كتاب مقدسي او اين است كه يك كليسای كاتوليك رومي وجود دارد. منظور او از خداوند، عيسي مسيح است، كه در انجيل يوحنا مي گويد، يك گله و يك شبان وجود دارد.

بديهي است كه او در مورد نهاد كليسای كاتوليك رومي آنطور كه در سال ۱۳۰۲ ميلادي وجود داشت صحبت مي كند. من اينطور فكر نمي كنم. بلكه، عيسي در يوحنا ۱۰ در مورد ورود غيريهوديان به كليسا توسط خدا، همراه با مؤمنان يهودي، مؤمنان اصلي، صحبت مي كند.

و ما از كلام انجيل مي آموزيم. در اينجا به تفسيرهاي جعلي بيشتري مي پردازيم. ما از انجيل مي آموزيم كه در اين كليسا و در قدرت آن دو شمشير وجود دارد، شمشير روحاني و شمشير دنوي.

زيرا وقتي رسول گفت، بنگريد، اين دو شمشير هستند. خداوند پاسخي نداد. اين خيلي زياد است، اما همين كافي است.

، اين تمام چيزي است كه بايد با خود ببريد. و اين تفسير اوست. وقتي خداوند گفت، بنگريد، اينجا در كليسا، زيرا رسولان بودند كه سخن گفتند، دو شمشير وجود دارد.

خداوند پاسخي نداد. اين خيلي زياد است، اما كافي است. طبق تفسير بونيفاس، يكي از دو شمشير، شمشير معنوي است.

روم بر روحهاي مسيحيت اقتدار دارد. ديگري شمشير دنوي است. روم بر دولتهاي رومي اقتدار دارد.

اين ادعای قدرتي عظيم است. و اربابان زميني آن را نمي شنيدند. آنها شاهزادههاي دولت-شهرهاي مختلف را كه اصلاً تحت تأثير قرار نگرفته بودند و اين را نپذيرفتند، نپذيرفتند.

با اين وجود، اين آموزه رسمي كاتوليك رومي است. ويكليفي، اكنون تخمينهاي متفاوتي از او وجود دارد. و او مطمئناً از برخي جهات يك پيشااصلاح طلب بود.

باز هم، ما دقیقاً تاریخ تولد او را نمی‌دانیم، اما تقریباً سال ۱۳۲۹ میلادی می‌دانیم که او در سال ۱۳۸۴ میلادی درگذشت. او یک محقق انگلیسی بود که مطالعاتش او را بیشتر و بیشتر به سمت انتقاد از کلیسای کاتولیک روم سوق داد.

او سرانجام در سال ۱۳۷۷ توسط روم محکوم شد. مطالعات خودش در کتاب مقدس او را به رد استحاله جوهری، قدرت مقدس کاهنان از شورای کنستانس، سوق داد. من تاریخ دقیق آن را در دست ندارم.

انتصاب یک کشیش کاتولیک رومی، و این به قانون کلیسای تبدیل شد و هنوز هم طبق روم معتبر است. در مراسم انتصاب، کشیش، قدرت بخشش گناهان را دریافت می‌کند. ویکلیف چیزی شبیه به این در کتاب مقدس نیافت.

شما همچنین در آنجا تبدل جوهری را نمی‌یابید. و در واقع، او همچنین اثربخشی صلیب را زیر سوال برد. همه اینها منجر به محکومیت او توسط روم در سال ۱۳۷۷ شد.

بنابراین، او در هفت سال آخر عمرش، تحت آن نقل قول زندگی کرد. به یاد داشته باشید، همانطور که قبلاً گفتم، اصل مقدر آگوستینی در زمان انحطاط عقیدتی و انحطاط اخلاقی در کلیسا مورد استناد قرار می‌گرفت. و همینطور هم بود.

بنابراین، ویکلیف می‌گوید، کلیسا، به نقل از، مجمع همه کسانی است که از پیش برای رستگاری مقدر شده‌اند این از رساله او در مورد کلیسا گرفته شده است. این همان مضمون تقدیرگرایی آگوستینی است که رهبران و متفکران کلیسا در مواقع سختی که یافتن مؤمنان یا تشخیص حقیقت از باطل و این نوع کشمکش‌ها دشوار است، به آن متوسل می‌شوند.

او آن کلمات را گفت، اجتماع همه کسانی که از پیش برای رستگاری مقدر شده‌اند. این همان کلیسا در رساله او درباره کلیسا است. او این را در موافقت با آگوستین گفت.

رستگاری، او رک و صریح بود، او واضح و روشن صحبت می‌کرد. رستگاری از طریق لطف خداست، نه از طریق تلاش بشر. همه این‌ها نه تنها او را به دردمند انداخت، بلکه او را به یک شخصیت نامطلوب و محکوم از سوی کلیسا تبدیل کرد.

یان هوس، ۱۳۷۳ تا ۱۴۱۵، از اولین اصلاح‌طلبان چک بود. او در اوایل دهه بیست زندگی‌اش به مسیحیت گروید. ایده‌های ویکلیف، به‌ویژه آموزه‌های او در مورد معنویت کلیسا، برای او تأثیرگذار بود.

باز هم، این به انتخاب مطلق خدا گره خورده است. ببینید، چون اوضاع اطراف ما بد به نظر می‌رسد، اما خدا همیشه قوم خود را دارد. شاید آنها حتی پنهان باشند، اما خدا قوم خود را دارد، صرف نظر از اینکه اوضاع چگونه به نظر می‌رسد.

هوس تکفیر شد. به هوس وعده مشاوره امن و عبور امن به شورای کنستانس داده شد، اما طبق بیانیه رسمی، به شما اجازه داده شد که به مرتدان دروغ بگویید. او به خاطر عقایدش تکفیر و در آتش سوزانده شد.

به گفته‌ی او گوش دهید. دو شخص عادل که به نام مسیح گرد هم آمده‌اند، مسیح را به عنوان رئیس یک کلیسای مقدس خاص تشکیل می‌دهند. بنابراین، دوباره، دوران سخت، فساد اخلاقی روحانیون، فساد اخلاقی مردم.

مردم به سختی اصول مسیحیت را درک می‌کنند. این اصول بد به نظر می‌رسند. بنابراین، او دو راه را انتخاب می‌کند.

در ظاهر، تعداد کمی از مؤمنان جمع می‌شوند. آنها گله‌ی کوچک هستند. آنها باقی‌مانده هستند.

آنها قوم خدا هستند. آنها خداوند را دوست دارند. کلیسا وجود دارد.

از نظر الهیاتی، دو شخص عادل که به نام مسیح گرد هم می‌آیند، به همراه مسیح به عنوان رئیس، یک کلیسای مقدس خاص را تشکیل می‌دهند. اما کاتولیک مقدس، که جهانی است، نه رومی، کلمات من، بلکه معنای اوست، اما کاتولیک مقدس، که کلیسای جهانی است، تمامیت تقدیر است، باز هم، با استناد به انتخاب، یا تمام تقدیرهای حال، گذشته و آینده. این از کتاب او، کلیسا، نوشته شده در کتاب هوس، کلیسا، نوشته شده در سال ۱۴۱۳ است.

خیلی زود، صفحات دو و سه آن سند. یک مرد خداترس در حال مبارزه است و همزمان بر کلیسای ایماندار و برگزیدگی خدا تأکید می‌کند. حال، از لوتر اصلاحات مذهبی آمد.

او قصد این کار را نداشت. او سوءاستفاده از فروش مشروبات الکلی را به آلمان آورد. افرادی که باید از این پول برای خرید شیر برای نوزادان خود استفاده می‌کردند، برای بیرون آوردن مادر بزرگ و پدر بزرگ از برزخ پول می‌دادند.

و او فکر کرد، آه، اگر پدر مقدس در رم فقط می‌دانست چه اتفاقی دارد می‌افتد، فوراً به این کار پایان می‌داد. غافل از اینکه پدر در رم دست خود را در صندوق برای برداشت ۵۰٪ از آمرزش‌نامه‌ها دارد. به هر حال، از دل اصلاحات لوتری، استانداردی بیرون آمد، اصلاحات نمادهایی را تولید کرد. اعترافات ایمانی را تولید کرد.

آنها می‌خواستند به کودکان آموزش دهند. این امر منجر به تولید کاتشیسیم‌ها، ابزارهای آموزشی مبتنی بر اعترافات ایمان و گاهی سطوح مختلف کاتشیسیم‌ها شد. بنابراین در سنت پرسبیتی، کاتشیسیم کوتاه‌تری وجود دارد که در اصل برای کودکان در نظر گرفته شده بود و کاتشیسیم مفصل‌تری که برای بزرگسالان و بزرگان در نظر گرفته شده بود.

اعتراف‌نامه آگسبورگ ۱۵۳۰. نویسنده ملانشتون بود. جانشین درخشان لوتر نویسنده بود.

اما در مورد آموزه، محققان اتفاق نظر دارند، نویسنده ملانشتون است، اما آموزه، آموزه لوتر است. ماده متاسفم، باید بیشتر در مورد هوس بگویم. یادداشت‌های بیشتری اینجا پیدا کردم ۸.۷.

من خیلی خوب فلش رو به پایین ردیابی نکردم. می‌خوام در مورد هوس واضح باشم. اون یه اصلاح‌گر نیست، باشه؟ می‌تونی بهش بگی پیشا اصلاح‌گر، و هرچی گفتم خوبه، درسته؟ اما اگه اون رو در بستر تاریخی خودش قرار بدی، باورهای خودش ترکیبی از آموزه‌های انجیلی و سنتی کاتولیک بود.

منظورم این است که چه انتظاری دارید؟ اینکه لوتر همه چیز را یکباره زیر و رو کند، اتفاق نیفتاد. در مناظره، مناظره‌کنندگان کاتولیک رومی او را به جایی رساندند که مجبور شد در موضع «تنها کتاب مقدس» قرار گیرد. آیا می‌گویید که شوراها و پاپ‌ها می‌توانند اشتباه کنند؟ حال، به عنوان یک راهب، این چیزی نیست که او به راحتی بگوید.

اما وقتی او را تحت فشار قرار دادند، گفت اگر کتاب مقدس واضح است، و اگر آنها با کتاب مقدس مخالفند، پس بله، آنها می‌توانند اشتباه کنند. همین حرف او را همانجا به یک مرتد تبدیل کرد. تعالیم و ایده‌های او پیشرفت کرد، و اگر شاهزاده خودش او را نمی‌ربود، به طرز وحشتناکی کشته می‌شد.

مطمئنم فکر می‌کرد که دیگر رفته است، و در قلعه‌ای که انجیل را ترجمه کرده و از این قبیل کارها پنهان شده بود. دیگر بس است. پس، انصافاً باید گفت که هاس لوتر نیست.

بود، گفت که از او پرسیدند، آیا فقط تو به این چیزها اعتقاد *водоводино* اگرچه، وقتی لوتر در حال داری؟ هیچ کس حرفش را باور نکرد. او به کتابخانه رفت و مطالعه کرد و هاس هم برخی از همان ایده‌ها را داشت. بنابراین، او یک پیشاصلاح‌طلب بود.

این یک عنوان ناعادلانه نیست. با این وجود، سیستم اعتقادی خود هوس دارای آموزه‌های انجیلی و کاتولیک رومی بود. اما او بر موعظه کلام تأکید داشت.

او کم و بیش دیدگاهی کتاب مقدسی نسبت به کلیسا داشت. این همان چیزهایی است که ما نقل کردیم. و کهنات جهانی مؤمنان.

بنابراین، کاتولیک رومی، مطمئناً، هنوز. اما در برخی از مسیرهای واقعاً جالب پیش از اصلاحات حرکت می‌کند. همچنین در بین ما آموخته می‌شود که یک کلیسای مقدس مسیحی، همانطور که می‌بینید، قسطنطنیه، اعتقادنامه قسطنطنیه، چنین نفوذی دارد.

اوه، کاملاً درست می‌گی. کاملاً درست. ۳۸۱.

امروزه، در کتاب‌های الهیات با گرایش‌های مختلف، بخشی به نام ویژگی‌های کلیسا و وحدت وجود دارد.

تقدس. کاتولیک بودن. رسالت.

و درست هم همین‌طور بود. پدران می‌دانستند که در مورد چه چیزی صحبت می‌کنند. یک کلیسای مقدس مسیحی وجود دارد که برای همیشه وجود خواهد داشت و باقی خواهد ماند.

آگسبورگ. این مجمع همه مؤمنان است. کلیسای مؤمنان.

در میان آنها، این به عنوان مثال به هوس برمی‌گردد. اگرچه فکر نمی‌کنم آنها هوس را می‌شناختند. در میان آنها انجیل به طور خالص موعظه می‌شود و آیین‌های مقدس طبق انجیل اجرا می‌شوند.

این بذر چیزی است که می‌توان آن را نشانه‌های کلیسا نامید. اصلاح‌طلبان بر اساس ویژگی‌های کلیسا بنا نهادند. اما آنها باید راه‌هایی را ارائه می‌دادند.

چگونه می‌توان درست را از نادرست تشخیص داد؟ این کار دشوار بود. هم لوتر و هم کالوین خودشان برخی از کشیشان کاتولیک رومی را به عنوان مردان خدا و برخی از کلیساهای کاتولیک رومی را به عنوان کلیساهای انجیلی و انجیلی تصدیق می‌کردند.

خب، این به آشفتگیه. چطور میشه اینو درست کرد؟ اونا یه سری علامت گذاشتن. و مهمترین علامت آموزش خالص کلامه.

دومین نشانه، اجرای صحیح آیین‌های مقدس بود. سومین نشانه، انضباط کلیسایی بود. در اینجا شما دو نشانه دارید.

همچنین در میان ما گفته می‌شود که یک کلیسای مقدس مسیحی برای همیشه وجود خواهد داشت و باقی خواهد ماند. زیرا عیسی گفت که دروازه‌های جهنم بر کلیسای من غلبه نخواهند کرد. این مجمع همه مؤمنانی است که در میان آنها انجیل به طور خالص موعظه می‌شود و آیین‌های مقدس طبق انجیل اجرا می‌شوند.

زیرا برای وحدت واقعی کلیسای مسیحی کافی است که انجیل مطابق با درک خالص آن موعظه شود. و اینکه آیین‌های مقدس مطابق با کلام الهی اجرا شوند. برای وحدت واقعی کلیسای مسیحی لازم نیست که مراسمی که توسط انسان‌ها تأسیس شده است، در همه جا به طور یکسان رعایت شود.

لوتری‌ها در این تاریخ اولیه چه می‌کنند؟ لوتر در سال ۱۵۱۷ این تزهرا را مطرح کرد. الان سال ۱۵۳۰ است. خیلی زود است.

آنها می‌گویند بعضی چیزها از بقیه مهم‌ترند. و ممکن است جزئیاتی از اداره کلیسا یا چیزهای دیگری وجود داشته باشد که یکسان نباشند. این ضروری نیست.

همانطور که پولس در افسسیان، ۴:۴ و ۵، با نقل قول از رساله می‌گوید، یک بدن و یک روح وجود دارد همانطور که شما به یک امید که متعلق به دعوت شماسست، یک خداوند، یک ایمان، یک تعمید، فراخوانده شده‌اید. این اثبات کتاب مقدس برای وحدت کلیسا است که بعداً به آن خواهیم پرداخت. ماده هشتم آگسبورگ، اعتراف آگسبورگ ۱۵۳۰.

باز هم، اگرچه کلیسای مسیحی، به معنای واقعی کلمه، چیزی جز اجتماع همه مؤمنان و مقدسین نیست. با این حال، در این زندگی، بسیاری از مسیحیان دروغین، ریاکاران و حتی گناهکاران آشکار در میان خداپاوران باقی می‌مانند. آیین‌های مقدس مؤثر هستند، حتی اگر کاهنانی که آنها را اجرا می‌کنند، مردان شروری باشند.

زیرا همانطور که خود مسیح اشاره کرد، فریسیان بر کرسی موسی نشسته‌اند، متی ۲۳:۲. این چیست؟ این توسل آگسبورگ به اصل آگوستینی است که منعکس کننده کتاب مقدس است، یعنی یک جمع مختلط می‌بینید؟ مؤمنان واقعی کلیسا را تشکیل می‌دهند. با این وجود، مسیحیان دروغین، منافقان و حتی گناهکاران آشکار در میان خداپاوران وجود دارند.

آیا در عهد جدید نبود؟ بله، اول قرن‌تین ۵. پولس می‌گوید، مردی را که با مادر و نامادری اش زندگی می‌کند، از میان خود بیرون کنید، همانطور که یک مرد با همسرش زندگی می‌کند. بر این اساس، هنوز هم، آگسبورگ انشعاب‌یون دوناتیست و همه کسانی که دیدگاه‌های مخالف دارند، محکوم هستند. بخش آخر می‌گوید که حتی یک فرد نجات نیافته می‌تواند انجیل واقعی را موعظه کند، و اگر این کار را انجام دهد، شما می‌توانید نجات پیدا کنید.

و بحث دوناتیست‌ها، پاسخ دیگری به تفرقه، باشه؟ انشعاب‌گرایان پیرو دونات، که دوناتیست نامیده می‌شدند، گفتند که پس از فروکش کردن آزار و اذیت، هر کسی که توسط یک کشیش، توسط یک کشیش که مسیح را در آزار و اذیت انکار می‌کرد، غسل تعمید داده شود، آن غسل تعمید نامعتبر است. اینطور که می‌بینید؟ و اگر به انجیلی که توسط آن شخص موعظه می‌شود ایمان داشته باشید، نجات پیدا نمی‌کنید. خب، سنت آگوستین گفت، نه، نه.

ما وقتی افراد خداترس انجیل را موعظه می‌کنند، شاد می‌شویم. ما هرگز از لغزش افراد خوشحال نمی‌شویم. اما با این وجود، انجیل و مقدسات متعلق به انسان‌ها نیستند.

این انجیل عیسی است. این احکام عیسی است و صرف نظر از سبک زندگی کسی که آنها را داده است، معتبر هستند. او شرارت کلیسا را تشویق نمی‌کند، درست است؟ اما او می‌گوید که نوعی عینیت در کلام خدا وجود دارد.

و مهم نیست، لازم نیست دنبال کسی بگردید که بقیه عمرتان را با ترس به شما بشارت داده یا شما را غسل تعمید داده تا اگر واقعاً اشتباه کند، غسل تعمیدتان باطل شود. نه، نه. این یک سوءتفاهم در مورد کلمه و آیین مقدس است.

اعتراف‌نامه اسکاتلندی مربوط به سال ۱۵۶۰، یعنی ۳۰ سال دیگر. تاریخ‌های کالوین از ۱۵۰۹ تا ۱۵۶۴ است. بنابراین، کلیسای اصلاح‌شده در حال حرکت است و اسکاتلند واقعاً ایمان اصلاح‌شده را پذیرفته است.

اعتراف‌نامه‌ی اسکاتلندی در واقع تا زمان اعتراف‌نامه‌ی وست‌مینستر در سال ۱۶۴۶، استاندارد بین‌انگلیسی‌زبانان بود. حالا، باید چیزی به شما بگویم. اسکاتلندی‌ها سافت‌بال بازی نمی‌کنند.

اوه، همانطور که خواهید دید، آنها با هیجان بیرون می‌آیند. و او. اعتراف‌نامه اسکاتلندی ۱۵۶۰، ماده ۱۶.

همانطور که ما به یک خدا، پدر، پسر و روح القدس اعتقاد داریم، به تأکید تثلیث توجه کنید. ما دائماً معتقدیم که از ابتدا، یک کلیسا وجود داشته، اکنون هست و تا پایان جهان نیز وجود خواهد داشت. کلمه اسکاتلندی برای کلیسا. منظور آنها این است که آدم و حوا بخشی از کلیسا بودند.

همانطور که گفتم، آنها می‌گویند که بین قوم خدا در عهد عتیق و عهد جدید وحدت وجود دارد. به عبارت دیگر، یک گروه و انبوهی از مردان برگزیده خدا، که بر تقدیر الهی تأکید دارند، و به درستی او را با ایمان واقعی به مسیح عیسی می‌پرستند و در آغوش می‌گیرند. کلیسای مؤمن، پس شما هر دو زاویه را دارید، می‌بینید؟ حاکمیت خدا، ایمان انسانی، ایمان واقعی.

حاکمیت خدا فقط یک نظریه نیست. نتیجه‌اش ایمان آوردن مردم است. و آنها فقط به خودی خود ایمان نمی‌آورند.

خدا آنها را برگزید و در آنها عمل کرد، پس آنها ایمان آوردند. کسانی که به درستی او را پرستش می‌کنند و با ایمان واقعی به مسیح عیسی او را می‌پذیرند. چه کسی تنها سر همان کلیسای است که بدن و همسر مسیح عیسی نیز هست؟

کدام فرقه کاتولیک است؟ فکر می‌کنید بعداً چه خواهند گفت؟ اوه بله، باید به پاپ یک تلنگر بزنید. کدام فرقه کاتولیک است؟ این یک فرقه جهانی است زیرا شامل برگزیدگان همه اعصار و همه قلمروها، ملت‌ها و زبان‌ها می‌شود. چه آنها که از یهودیان هستند، چه آنها که از غیریهودیان هستند، که با خدای پدر و پسرش، عیسی مسیح، ارتباط و معاشرت دارند.

با پسرش، مسیح عیسی، از طریق تقدیس روح القدسش. وای! آنها کلیسا را از نظر اتحاد با تثلیث و دوباره تثلیث‌گرایی تعریف می‌کنند. اتحاد با مسیح، اتحاد با تثلیث است.

یک خدا وجود دارد. اشخاص از هم جدایی‌ناپذیرند. و باز هم، تثلیث‌گرایی.

بنابراین، آن را عشای ربانی می‌نامند، نه عشای ربانی افراد پی‌دین، بلکه عشای ربانی قدیسان. اسکاتلندی‌ها در مورد انضباط کلیسایی و در مورد افرادی که نه تنها می‌گفتند مسیحی هستند، بلکه برای مسیح زندگی می‌کنند، بسیار قوی بودند. آنها می‌توانستند در مورد انضباط کلیسایی بیش از حد قوی باشند.

نه از افراد پی‌دین، بلکه از مقدسین، اجتماع مقدسین، که به عنوان شهروندان اورشلیم آسمانی، ثمره پی‌نهایت نعمت را دارند. به عبارت دیگر، این یعنی، از یک خدا، یک خداوند عیسی، یک ایمان، دوباره افسسیان ۴ را می‌شنوم، یک غسل تعمید، که از آن نه حیات و نه سعادت ابدی، خوشبختی حاصل می‌شود. و بنابراین، بفرمایید، ما کاملاً از کفرگویی آنها بیزاریم.

کاش این افراد حرف دلشان را می‌زدند و از حاشیه رفتن دست برمی‌داشتند. وای! ما کاملاً از کفرگویی کسانی که ادعا می‌کنند کسانی که بر اساس انصاف و عدالت زندگی کنند رستگار می‌شوند، بیزاریم، فارغ از اینکه چه دینی را پذیرفته‌اند. آه، زبان انگلیسی توسعه یافته و در این برهه از زمان از «چی» جدا شده است.

یعنی، آنها ضد کثرت‌گرایی هستند، باشه؟ فقط به این دلیل که به یک موجود الهی اعتقاد دارید، نجات نیافته‌اید. زیرا همانطور که بدون مسیح عیسی، نه حیات وجود دارد و نه رستگاری، هیچ کس در آن شریک نخواهد بود، مگر کسانی که پدر پسرش مسیح عیسی را به آنها داده است، و کسانی که به موقع به او نزدیک می‌شوند، به آموزه‌های او اعتراف می‌کنند و به او ایمان می‌آورند. این جمله از انجیل یوحنا است.

یکی از مضامین برگزیدگی یوحنا، سپردن مردم توسط پدر به پسر است. در یوحنا ۶، آمدن به سوی پسر به معنای ایمان آوردن به پسر است. وای! باز هم، این آیه پر از آیات کتاب مقدس است.

حالا به این نگاه کنید. کسانی که به مرور زمان به او ایمان می‌آورند، ما فرزندان را با والدین وفادار درک می‌کنیم. اعتراف اسکاتلندی از دو جهت عهد و پیمان است.

این، قوم خدا را تا باغ عدن دنبال می‌کند. این یک قوم خداست، و چیزی را دارد که من آن را الهیات خانواده می‌نامم. این شامل کودکان نیز می‌شود.

آیا منظور این است که کودکان نیازی به ایمان آوردن ندارند؟ البته، این را نمی‌گوئید، بلکه می‌گوئید کودکان در عهد فیض خدا گنجانده شده‌اند. این عهد نامرئی است و فقط برای خدا، کلیسای نامرئی، شناخته شده است، که تنها اوست که می‌داند چه کسی را برگزیده و درک می‌کند، گفته می‌شود برگزیدگانی که از دنیا می‌روند یعنی کسانی که مردند، که معمولاً پیروزمندان عهد نامیده می‌شوند، و کسانی که هنوز زنده‌اند و با گناه و شیطان می‌جنگند، همانطور که پس از این نیز زنده خواهند ماند - اعتراف اسکات ۱۵۶۰.

اوه، می‌دانم که این بخش بعدی همین یادداشت‌هاست که به سراغ روم می‌روند. وای، آنها فقط روم را بمباران می‌کنند. و مردم اسکاتلند توسط روم کشته شدند.

قابل درک است. اعتراف‌نامه‌ی بلژیکی ۱۵۶۱ یکی از سه نماد اصلاح‌شده‌ای است که تا به امروز توسط مسیحیان اصلاح‌شده‌ی معتقد، سه شکل وحدت نامیده می‌شود. سنت پرسبیتری از اسکاتلند و جلسه‌ی مجمع وست‌مینستر در لندن می‌آید.

استانداردهای اعتقادی آن عبارتند از استانداردهای وست‌مینستر، اعتراف‌نامه ایمان وست‌مینستر، کاتشیسیم مختصر وست‌مینستر و کاتشیسیم مفصل وست‌مینستر. سه شکل از وحدت که مسیحیان را در برابر مسیحیت اصلاح‌شده‌ی پرسبیتری اصلاح‌شده اصلاح کرد، از اروپای قاره‌ای می‌آید، نه مثلاً انگلستان، اسکاتلند و هلند.

سه شکل از وحدت عبارتند از اعتراف‌نامه‌ی بلژیکی، که قرار است لحظه‌ای دیگر از آن نقل قول کنم، کاتشیزم هایدلبرگ، و قوانین، اظهارات الهیاتی دورت.

اعتراف‌نامه‌ی بلژیکی، کاتشیزم هایدلبرگ، قوانین دورت. کاتشیزم هایدلبرگ، اعتراف‌نامه‌ی بلژیکی، ۱۵۶۱ اساساً، همزمان با اعتراف‌نامه‌ی اسکاتلندی.

ماده ۲۷، ما به یک کلیسای کاتولیک یا کلیسای جهانی واحد، یک جماعت مقدس و گردهمایی از مؤمنان واقعی مسیحی، که در انتظار تقدیس کامل خود در عیسی مسیح، شسته شدن با خون او و تقدیس و مهر و موم شدن توسط روح القدس هستند، اعتقاد و اعتراف داریم. این اولین اشاره به مهر و موم در این اسناد است. من واقعاً از آن قدردانی می‌کنم.

مُهر کردن در افسسیان ۱، افسسیان ۴ و دوم قرنتیان ۱ ذکر شده است. این کتاب درباره نجات قوم خود توسط خدا با دادن روح القدس به عنوان مُهر صحبت می‌کند. همچنین به طور خلاصه درباره شناسایی آنها به عنوان قوم خدا صحبت می‌کند. این کلیسا از ابتدای جهان وجود داشته و تا انتها نیز پابرجا خواهد ماند.

عهد، قوم واحد خدا، تا به آخر پایدار خواهد ماند. گفته‌ی عیسی، من کلیسای خود را خواهم ساخت، ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهند یافت، همانطور که از این واقعیت برمی‌آید که مسیح پادشاه ابدی است و نمی‌تواند بدون رعیت باشد. این آموزه‌ی جان کالوین است.

مسیح پادشاه ابدی است. او باید مطیعانی داشته باشد. بنابراین، یک قوم خدا وجود دارد.

آیا این به ما می‌گوید که نباید این کار را بکنیم؟ آیا هیچ گسستی بین قوم خدا وجود ندارد؟ بله، وجود دارد. اما این اسناد بر پیوستگی بین قوم خدا در عهد عتیق و عهد جدید تأکید دارند. و این کلیسای مقدس توسط خدا در برابر خشم تمام دنیا حفظ شده است، حتی اگر برای مدتی در نظر مردم بسیار کوچک به نظر برسد، گویی که از بین رفته است.

و بنابراین، این کلیسای مقدس محدود، مقید یا محدود به یک مکان یا افراد خاص نیست، بلکه در سراسر به S جهان گسترش یافته و پراکنده است، اگرچه هنوز در قلب و اراده، در یک روح واحد، با حرف بزرگ قدرت ایمان، متحد و یکپارچه هستند. در سخنرانی بعدی خود، به اعتراف‌نامه ایمان وست‌مینستر خواهیم پرداخت.

این دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد آموزه‌های کلیسا و امور آخر است. این جلسه ۷، الهیات تاریخی کلیسا است.